

## به مناسبت فرارسیدن دهه فجر درباره مردمسالاری دینی و آزادی

■ اینجا آرای ملت حکومت می‌کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگانها را ملت تعیین کرده‌است و تخلف از حکم ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد. (امام خمینی(ره)، در جمع هیأت بررسی‌کننده جنگ تحمیلی، ۵۹/۱۲/۱۰)

■ اسلام به ما اجازه نداده‌است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هرطور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده‌است، پیغمبر اسلام(ص) به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم. بلکه ممکن است گاهی وقتها ما یک تقاضایی از آنها بکنیم، تقاضای متواضعانه، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت می‌کند، لکن اساس این است که مسأله دست من و امثال من نیست، دست ملت است. (امام خمینی(ره)، در دیدار با پاپ پل ششم، ۵۸/۸/۱۹)

■ [در جمع نمایندگان مجلس خبرگان]: اکثریت هرچه گفتند آرای ایشان معتبر است، ولو به ضرر خودشان باشد. شما ولی آنها نیستید که بگویید: «این به ضرر شماست، ما نمی‌خواهیم بکنیم». شما وکیل آنها هستید، [اما] ولی آنها نیستید. [..] شما آن مسایلی که مربوط به وکالتتان است و آن مسیری که ملت ما دارد، روی آن مسیر راه را بروید، ولوعقیده‌تان این است که این مسیری که ملت رفته خلاف صلاحش است. خوب باشد، ملت می‌خواهد این طور بکند، به من و شما چکار دارد؟ خلاف صلاحش را می‌خواهد انجام بدهد؛ ملت رأی داده و رأیی که داده متبع است. (امام خمینی(ره)،

در جمع نمایندگان مجلس خبرگان، ۵۸/۵/۲۷)

■ با رأی آرام هیچ‌کس مخالف نیست. شما می‌گویید که: «تخیر، اینکه گفتند اینها، اشتباه کردند، ولی ما در مقام عمل قبول داریم؛ رأیمان این است که این جور نیست، اما در عمل هم ملتزم

هستیم». این هیچ مانعی ندارد [..] بسیار خوب، ممکن است که یک میلیون جمعیت هم اشتباه بکنند، این اشکال ندارد، اما درعین‌حالی که اعتقاداتان این است که اینها اشتباه کرده‌اند، در عین حال باید بپذیرید. (امام خمینی(ره)، در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۶۰/۳/۶)

■ ما فرض می‌کنیم که شاه خیلی هم مرد صالحی فرض کنید باشد، خیلی هم آدم صحیحی باشد، خیلی هم خدمتگزار مردم باشد. خوب وقتی مردم یک خدمتگزاری را نخواستند باید کنار برود. [..] این خدمتگزار را، این آدم بسیار صالح خوب را که می‌خواهد مملکت ما را بهشت برین بکند، ما نمی‌خواهیم ایشان بهشت برین بکند مملکتمان را! حق ندارند این را بگویند؟ حقوق بشر این نیست که هرکسی، هر بشری حق دارد که سرنوشت خودش را خودش تعیین کند؟ (امام خمینی(ره)، در جمع ایرانیان مقیم خارج، ۵۷/۹/۲۵)

■ قهراً مردم وقتی آزاد هستند یک نفر صالح را انتخاب می‌کنند و آراء عمومی نمی‌شود خطا بکند. یک وقت یکی می‌خواهد یک کاری بکند، اشتباه می‌کند، یک وقت یک مملکت سی‌میلیونی؛ نمی‌شود اشتباه بکند. کسی بگوید: «خوب، لقل [=شاید] یک آدم غلطی را گذاشتند»، اگر غلطی را گذاشتند قدم اول را که برداشت همین ملت عزلش می‌کنند؛ تمام شد. (امام خمینی(ره)، در جمع ایرانیان مقیم خارج، ۵۷/۱۰/۱۰)

■ به چه حقی ملت پنجاه‌سال پیش از این سرنوشت ملت بعد را معین می‌کند؟ سرنوشت هر ملتی به دست خودش است [..] واگر چنانچه سلطنت رضاشاه فرض بکنیم که قانونی بوده، چه حقی آنها داشته‌اند که برای ما سرنوشت معین کنند؟ هرکسی سرنوشتش باخودش است. مگر پدرهای ما ولی ما هستند؟ (امام خمینی(ره)، در بهشت‌زهر، ۵۷/۱۱/۱۲)

■ عقل این است، حقوق بشر این است که سرنوشت هر آدمی به دست خودش باشد. هر ملتی سرنوشتش به دست خودش باشد.

(امام خمینی(ره)، در جمع ایرانیان مقیم خارج، ۵۷/۱۱/۱)

■ معیار در اعمال نهادها قانون اساسی است و تخلف از آن برای هیچ‌کس، چه متصدیان امور کشوری و لشکری و چه اشخاص عادی،

جایز نیست. (امام خمینی(ره)، بیانیه ده ماده‌ای درباره حل اختلافات، بند اول، ۵۹/۱۲/۲۵)

■ من هم ممکن است با بسیاری از چیزها - من که یک طلبه هستم - مخالف باشم، لکن وقتی قانون شد، خوب ما هم می‌پذیریم. (امام خمینی(ره)، در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۶۰/۳/۶)

■ دستور کسی حق ندارد راجع به انتخابات بدهد؛ دستور دراجرا، درخوبی اجرا بله؛ وزیر کشور دستور می‌دهد که اجرا خوب بشود، اجرا اسلامی باشد؛ اما یک بالایی بخواهد به شما دستور بدهد که کیک باید وکیل بشود، کیک می‌خواهد وکیل بشود، این امر نیست در اسلام، در ایران هم نیست. این که من عرض می‌کنم برای این است که بعدها کسانی که در ایران، بعدها و نسلهای بعد، می‌آیند بدانند که باید این طور باشند، و آلا امروز ما کسی را نداریم که دستور بدهد، [بلکه] پیشنهاد می‌کند و مردم مختارند. فرض بکنید که اگر همه کسانی که در رأس [هستند] بروند پیشنهاد بکنند که فلان آدم را شما وکیل کنید، لکن شما به نظراتان درست نباشد، جایز نیست بر شما که تبعیت کنید. (امام خمینی(ره)، در جمع فرمانداران، بخشداران و اعضای شوراهای روستایی، ۶۲/۱۰/۱۳)

■ از قراری که من شنیده‌ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که «مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی باحق مجتهدین است». آنجا شکست خورده‌اند حالا عکسش را دارند می‌گویند. [..] آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار به ما ضربه زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده، حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است؛ یعنی در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند، باقی‌شان بروند سراغ کارشان؛ یعنی مردم بروند سراغ کارشان، هیچ کاری به مسائل اجتماعی نداشته باشند و چند نفر پیرمرد ملاً بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران، برای آنکه آن یک عده از علما را کنار می‌گذاشت منتها بواسطه آنها هم یک قشر زیادی کنار گذاشته می‌شوند، این تمام ملت را می‌خواهد کنار بگذارد. (امام خمینی(ره)، در جمع مدیران و کارکنان صداوسیما، ۶۲/۱۲/۹)

■ آنگاه که مسأله حقوق طبیعی و مخصوصاً حاکمیت ملی به میان آمد، عده‌ای طرفدار استبداد سیاسی شدند و برای توده مردم در مقابل حکمران حقی قائل نشدند و تنها چیزی که برای مردم در مقابل حکمران قائل شدند وظیفه و تکلیف بود. این عده در استدلالهای خود برای اینکه پشتوانه‌ای برای نظریات سیاسی استبداد مابانۀ خود پیدا کنند به مسأله خدا چسبیدند. [...] از این رو، طبعاً در افکار و اندیشه‌ها نوعی ملازمه و ارتباط تصنعی بوجود آمد، میان اعتقاد به خدا از یک طرف و اعتقاد به لزوم تسلیم در برابر حکمران و سلب هر گونه مداخله‌ای در برابر کسی که خدا او را برای رعایت و نگرهبانی مردم برگزیده است. (استاد شهید مطهری، **علل گرایش به مادیگری، ص ۱۷۹**)

■ آنها [خوارج] از مفهوم «ان الحكم الا لله» که به معنی این است که حاکمیت قانون و تشریح از ناحیه خداست، چنین استنباط می‌کردند که حاکمیت - به معنی حکومت - هم از آن خداست. علی(ع) درباره اینها فرمود: «کلماً حق یُرادُّ بها الباطل». این آقایان هم اصل حاکمیت و لابد پنداشته‌اند اصل و متمم قانون اساسی که بالصرّاحه هیچ قانونی را که برخلاف قوانین اسلام باشد قانونی نمی‌دانند، برخلاف روح مشروطیت و حاکمیت ملی هستند. (استاد شهید مطهری، **پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۸۴**)

■ در این حکومت به طور قطع باید زمامداران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم‌گیریها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند، نمی‌توانند به تنهایی تصمیم‌گیرنده باشند. (امام خمینی(ره)، **مصاحبه با خبرنگار روزنامه تمپو از اندونزی، ۵۷/۱۰/۲۳**)

■ همه‌مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان، مسئول کارهای دیگران هم هستیم، «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة»، همه باید نسبت به همه رعایت بکنند، همه باید نسبت به دیگران. مسئولیت من هم گردن شمامست، [مسئولیت] شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم شما مسئولید اگر نگویند چرا پایت را کج گذاشتی؛ باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا! [...] نهی‌ازمنکر اختصاص به روحانی ندارد، مال همه است. (امام خمینی(ره)، **در جمع روحانیون و پاسداران ارومیه، ۵۸/۴/۱۵**)

■ هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد، و در غیر اینصورت، اگر بر خلاف وظائف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است. (امام خمینی(ره)، **مصاحبه با خبرنگار روزنامه‌ای ایتالیائی، ۵۷/۱۰/۱۹**)

■ ما شخصیت‌ها را با حق می‌سنجیم و نه حق را با شخصیت‌ها. معیار حق و حقیقت است. (امام خمینی(ره)، **مصاحبه با خبرنگار گاردین، ۵۷/۸/۱۰**)

■ [خطاب به اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم] ممکن است برداشتهای اشخاص با ما مخالف باشد و ما باب اجتهاد را نمی‌توانیم ببندیم. همیشه اجتهاد بوده هست و خواهد بود، و حال آنکه مسائلی که امروز پیش آمده با مسائل سابق خیلی فرق می‌کند و برداشتهای از احکام اسلام مختلف است. ما نباید بر سر برداشتهای دعوا بکنیم. (امام خمینی، **۶۴/۴/۹**)

■ [ملت] رشدش به این است که آزادش بگذاریم، ولو در آن آزادی ابتدا اشتباه هم بکند. صد بار هم اگر اشتباه بکند باز باید آزاد باشد. (استاد شهید مطهری، **پیرامون جمهوری اسلامی، چاپ دوازدهم، ص ۱۲۲**)

■ شما الآن می‌بینید که بعضی احزابی که انحرافی هستند و ما آنها را جزء مسلمین هم حساب نمی‌کنیم، معذک چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت‌های سیاسی دارند، هم آزادند و هم نشریه دارند به طور آزاد. (امام خمینی(ره)، **در جمع روحانیون آذربایجان شرقی و غربی، ۶۰/۲/۲۱**)

■ [درباره آزادی ادعائی حکومت پهلوی] این چه آزادی است که اعطاء فرموده‌اند آزادی را؟ مگر آزادی اعطاء شدنی است؟ خود این کلمه جرم است. کلمه اینکه اعطاء کردیم آزادی را این جرم است. آزادی مال مردم است، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم. «اعطاء کردیم» چه غلطی است؟ به تو چه که اعطاء بکنی؟ (امام خمینی(ره)، **به مناسبت سالروز واقعه ۱۵ خرداد، ۵۷/۳/۱۰**)

■ اگر در صدر اسلام در جواب کسی که می‌آمد و می‌گفت من خدا را قبول ندارم می‌گفتند بزنی و بکشید، امروز دیگر اسلامی وجود نداشت. اسلام به این دلیل باقی مانده که با شجاعت و با صراحت با افکار مختلف مواجه شده است. (استاد شهید مطهری، **پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ هفدهم، ص ۱۸**)

■ هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد و اعتماد داشته باشد، ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و آزادی تفکر باشد و به عکس هر مکتبی که ایمان و اعتمادی به خود ندارد، جلوی آزادی اندیشه و آزادی تفکر را می‌گیرد. این گونه مکاتب ناچارند مردم را در یک محدوده خاص فکری نگه دارند و از رشد افکارشان جلوگیری کنند. این همان وضعی است که ما امروز در کشورهای کمونیستی می‌بینیم. [...] من اعلام می‌کنم که در رژیم جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد و از به اصطلاح کانالیزه کردن اندیشه‌ها خبر و اثری نخواهد بود. همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات اصیلشان را عرضه کنند. (همان، **ص ۱۱**)

■ من مکرراً در نوشته‌های خودم نوشته‌ام [که] من هرگز از پیدایش افراد شکاک در اجتماع که علیه اسلام سخنرانی کنند و مقاله بنویسند، متأثر که نمی‌شوم هیچ، از یک نظر خوشحال هم می‌شوم. چون می‌دانم پیدایش اینها سبب می‌شود که چهره اسلام بیشتر نمایان بشود. (استاد شهید مطهری، **پیرامون جمهوری اسلامی، چاپ دوازدهم، ص ۱۳۴**)

■ [شهید بهشتی در یک گفتگوی مطبوعاتی درباره قانون اساسی] در این زمینه‌ها مکرراً نظر خود را اعلام کرده‌ایم و بدان عمل کرده‌ایم؛ در نظام اجتماعی ما بایستی به همه گروهها فرصت اظهار نظر داده شود و امکان آن داده شود که بتوانند نظرهای خود را به صورت فردی و جمعی بیان کنند. این نه تنها دیدگاه شخص من است، بلکه نظر حزب جمهوری اسلامی هم هست. [...] نظر کلی حزب جمهوری اسلامی در این زمینه روشن است: در جامعه اسلامی همه افراد گروهها، هر چند مخالف اسلام باشند، امکان دارند رأی و نظر خود را بیان کنند. (شهید بهشتی، **روزنامه جمهوری اسلامی، ۵۸/۴/۱۵**، به نقل از «هبانی نظری قانون اساسی»، انتشارات بقعه، ۱۳۷۷، صص ۶۶-۶۵)